

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در تقسیم مقدمه به مقدمه وجودیه، صحت، وجوبیه و مقدمه العلم بود. عرض کردیم که این فرمایش آخوند که مقدمه صحت به مقدمه وجودیه بر می‌گردد و در نتیجه چیزی به نام مقدمه صحت نداریم، بیان صحیحی نیست. در مقدمات صحت، مقدمه در آن غرضی که مولا از ذی المقدمه دارد دخالت دارد.

در مقدمه صحت مولا یک غرضی در ذی المقدمه دارد، برای فعلیت پیدا کردن آن غرض، این مقدمه صحت در آن نقش دارد. عرض کردیم که طبق این بیان نتیجه می‌گیریم که ما نمی‌توانیم مقدمه صحت را به مقدمه وجود برگردانیم.

یک بیان دیگری را می‌توانیم در اینجا داشته باشیم و آن این است که بگوییم مقدمه وجودیه دو نوع است؛ یکی مقدمه وجودیه‌ای که در غرض مولا دخالت ندارد، مثلاً مکان، مقدمه وجودیه برای نماز است و در غرض مولا نقشی ندارد. نماز نیاز به یک مکان دارد - الان نمی‌خواهیم شرایط مکان را بگوییم - پس یک نوع مقدمه وجودیه‌ای داریم که در غرض مولا دخالت ندارد، در غرض مترتب بر ذی المقدمه دخالت ندارد. نوع دوم یک مقدمه وجودیه‌ای که در کیفیت غرض از ذی المقدمه دخالت دارد.

اگر بخواهیم اینطور بیان کنیم اشکالی ندارد. ولو اینکه این تقسیم در کلمات نیست، ولی اگر بخواهیم با اینطور تقسیم کنیم می‌شود اینگونه بیان کرد که مقدمه وجودیه بر دو قسم است. لکن این تفاوت جوهری با آن تقسیم مشهور ندارد. مشهور از آن مقدمه وجودیه‌ای که دخالت در غرض دارد از آن به مقدمه صحت تعبیر کرده‌اند. این بیانی بود که در بحث گذشته به آن رسیدیم و مفصل توضیح دادیم.

اشکالی بر مرحوم آخوند بر الزام ایشان به تغایر مقدمه صحت و مقدمه وجود

قبل از آغاز بحث مقدمه وجوبیه، یک اشکالی به مرحوم آخوند وجود دارد، که مستشکل بر اساس این اشکال می‌خواهد بگوید آخوند راهی ندارد جز اینکه بین مقدمه صحت و مقدمه وجود تغایر و مغایرت قائل باشد و آن اشکال روی مبنای خود مرحوم آخوند خراسانی است.

مستشکل می‌گوید یکی از مقدمات و شرائط نماز، «قصد قربت» است. و مسلم است که قصد قربت، مقدمه برای نماز است و مرحوم آخوند به تبع مرحوم شیخ انصاری، أخذ قصد قربت در نماز و مأمور به را محال می‌دانند، لا جزءً و لا شرطاً.

در بحث مفصلي که مرحوم آخوند دارند و ما هم بحث استدلالی آن را مفصل بحث کردیم این است که مرحوم آخوند به تبع شیخ انصاری می‌فرماید اخذ قصد قربت در مأمور به، هم به نحو شرطیت و هم جزئیت محال است.

اشکال این است که شمایی مرحوم آخوند که اخذ قصد قربت را محال می‌دانید، پس نتیجه این می‌شود که مأمور به یک ماهیته دارد که قصد قربت نه جزء و نه شرطاً برای آن است.

نتیجه این می‌شود که قصد قربت، دخالتی در وجود مأمور به ندارد. اگر اخذ قصد قربت، شرطاً یا جزء در مأمور به ممکن بود، نتیجه این می‌شد که قصد قربت هم مانند سایر شرایط، دخالت در وجود نماز دارد. یعنی علاوه بر اینکه در صحت نماز معتبر است، در وجود نماز هم معتبر است.

همانطور که رکوع، جزء نماز است و در ماهیت مرکب نماز دخالت دارد، اگر قصد قربت هم اینگونه باشد این حرف درست است که بگوییم مقدمه صحت به مقدمه وجود برمی‌گردد، اما اگر طبق مبنای شما مرحوم آخوند گفتیم که قصد قربت مانند سایر اجزاء و شرایط نیست، یعنی ماهیت مأمور به، متوقف بر آن نیست، نتیجه آن می‌شود باید بین مقدمه صحت و مقدمه وجود تغایر باشد. بگوییم قصد قربت مقدمه صحت است، اما سایر شرایط، مقدمه وجودیه است. این اشکال بر مرحوم آخوند وارد شده است.

خلاصه اینکه طبق مبنای خود شما که قصد قربت، یکی از مقدمات نماز است و همه می‌گویند مقدمه صحت است، اما طبق مبنای شما که می‌گویید قصد قربت لا شرطاً و لا جزءاً قابلیت اخذ در مأمور به را ندارد، پس قصد قربت در وجود مأمور به دخالتی ندارد، اگر دخالت نداشته لا محاله باید مقدمه صحت باشد.

پاسخ از اشکال

جواب آن در همین یک کلمه است؛ مرحوم آخوند اگر قصد قربت را از دایره شرطیت مطلقاً خارج کند، این اشکال درست است. در حالیکه آنچه مقصود مرحوم آخوند است این است که اخذ قصد قربت در مأمور به شرعاً محال است، لا بالأمر الاول ولا بالأمر الثاني، که در جای خودش اینها را بیان نموده‌اند.

اما اگر از مرحوم آخوند سوال کنیم که قصد قربت برای نماز شرطیت دارد یا نه؟ می‌فرمایند بله، اما چه شرطی است؟ شرط عقلی است. عقل، قصد قربت را در این مأمور به تعبدی معتبر می‌داند.

پس روی این مبنا اشکالی به مرحوم آخوند نیست. اشکال همان بود که ما عرض کردیم که ما باید بین مقدمات وجودیه‌ای که در غرض دخالت دارد با مقدمات وجودیه‌ای که در غرض دخالت ندارد فرق بگذاریم.

بررسی مقدمه وجوب

یک نوع از اقسام مقدمه، «مقدمه وجوب» است. یعنی مقدمه‌ای که شرطیت دارد برای وجوب یک مقدمه، مثل استطاعت، که شرط برای وجوب حج است.

مقدمات وجوبیه را هم به دو قسم تقسیم کرده‌اند: یا مقدمات وجوبیه مقدوره است مانند استطاعت، که استطاعت شرط برای

وجوب حج است، و یا مقدمات وجوبیه غیر مقدوره، مثل ضبط که طبق نظر مشهور شرط برای وجوب است در باب نماز.

در اینکه مقدمه وجوبیه در مقابل مقدمه وجودیه و صحة است، هیچ کسی اختلاف ندارد، یعنی هیچ کسی نگفته مقدمه وجوبیه، به مقدمه وجودیه یا صحة بر می‌گردد، و گفته‌اند خود آن یک قسم مستقلاً از مقدمه است.

ادله خروج مقدمات وجوبیه از محل نزاع

اشکالی که هست این است که آیا در نزاع در بحث مقدمه واجب، مقدمات وجودیه هم داخل در محلّ نزاع هست یا نه؟ مجموعاً دو دلیل در کلمات اصولیین اقامه شده بر اینکه مقدمات وجودیه از محلّ نزاع در باب مقدمه واجب خارج است.

دلیل اول

دلیل اول را مشهور اینگونه ذکر کرده‌اند؛ مثلاً استطاعت شرط برای وجوب حج است. آیا مقدمه وجوبیه‌ای را که می‌خواهیم بیاوریم در محلّ نزاع داخل کنیم، مقدمه وجوبیه‌ای است که هنوز موجود نشده یا مقدمه وجوبیه‌ای که موجود شده؟ مثلاً استطاعت، مقدمه وجوبیه است، اگر بخواهیم آن را داخل در نزاع در مقدمه واجب قرار دهیم، کدام استطاعت مراد است؟ آیا استطاعتی که هنوز نیامده، ذی‌المقدمة وجود پیدا می‌کند، چون فرض ما این است که مقدمه وجوبیه، شرط برای وجوب ذی‌المقدمة است.

پس مادامی که موجود نشده هنوز ذی‌المقدمة لباس وجوب را پیدا نکرده. در حالی که نزاع کلی در مقدمه واجب در جایی است یک ذی‌المقدمه‌ای وجوب شرعی مولا دارد، می‌خواهیم ببینیم که آیا مقدمه آن هم وجوب دارد یا نه؟

پس استطاعت مادامی که نیامده، ذی‌المقدمة وجوب پیدا نکرده تا بخواهد داخل در محلّ نزاع باشد.

فرض دوم این است که بگوییم این استطاعتی که موجود شده، داخل در محلّ نزاع واقع شود. در اینجا تحصیل حاصل لازم می‌آید، برای اینکه استطاعتی که موجود شده، اگر بگوییم واجب است، این وجوب تحصیل حاصل است، یعنی استطاعت موجود شده، وجوب مقدمه را برای چه می‌خواهیم برای اینکه تحریک کند شما را برای انجام مقدمه، پس آنجایی که مقدمه موجود است، وجودش تحصیل حاصل است. این بیانی که مشهور در اینجا دارند.

نقد محقق اصفهانی بر دلیل مشهور

مرحوم محقق اصفهانی در حاشیه کفایه (نهایه الدراية، جلد دوم، ص 31) در این استدلال مشهور یک خدشه‌ای را وارد کرده‌اند و فرموده‌اند این استدلال مشهور که مسأله تحصیل حاصل است، در آنجایی که مقدمه وجودیه از نوع مقدمه متقدمه باشد، این اشکال وارد است. استطاعت، یک مقدمه متقدمه است و بعد از آنکه موجود شد ما اگر بخواهیم بگوییم این استطاعت وجوب دارد، تحصیل حاصل است.

اما فرموده‌اند اگر یک مقدمه وجوبیه متأخره داشته باشیم، یعنی بگوییم یک عملی را که الان انجام می‌دهیم این عمل احتسابش به وجوب، مشروط به یک شرط متأخر است، مشروط به یک عملی است که بعداً می‌خواهد انجام شود، این استدلال در آن جایی که مقدمه به نحو شرط متأخر باشد جاری نیست.

بیان مطلب اینکه؛ در شرط متأخر، وجوب ذی المقدمة قبل از وجوب مقدمه است. اصلاً معنای شرط متأخر همین است، مثل اینکه در باب فضولی می‌گوییم ملکیت قبل از اجازه مالک است.

در موارد شرط متأخر، وجوب ذی المقدمة الان است، اما یک وجوب مشروط است، ظرف متأخرش بعداً می‌آید. مرحوم اصفهانی به مشهور اشکال کرده که اینجا دیگر مسأله تحصیل حاصل نمی‌شود. اینجا که مقدمه به نحو شرط متأخر است، ذی المقدمة الان وجود دارد، هنوز مقدمه هم موجود نشده، اینجا نزاع داریم که بگوییم به برکت وجود این ذی المقدمة آن مقدمه متأخره وجوب پیدا کند.

در این فرض، نه مسأله تحصیل حاصل لازم است و نه اشکالی که در ذهن مشهور هست.

مرحوم محقق اصفهانی بعد از ایراد این اشکال، خودشان یک دلیل مستقلاً برای این مطلب که مقدمات وجوبیه خارج از محلّ نزاع است ذکر کرده‌اند، ولی همان دلیل را باز در حاشیه کتابشان مورد خدشه قرار داده‌اند.

پاسخ استاد از نقد محقق اصفهانی

اکنون ابتدا باید ببینیم اشکال مرحوم اصفهانی به مشهور وارد است یا خیر؟ بعضی بزرگان هم این اشکال مرحوم محقق اصفهانی بر مشهور را پذیرفته‌اند. در حالی که ظاهراً این اشکال به مشهور وارد نمی‌شود.

بیان ذلک؛ مشهور گفته‌اند اگر استطاعت نباشد، ذی المقدمة وجود ندارد تا ما بخواهیم ببینیم آیا به برکت مقدمه، ذی المقدمة واجب می‌شود یا نه. اگر استطاعت باشد وجوب مقدمه، تحصیل حاصل می‌شود.

در شرط متأخر، ذی المقدمة وجوب دارد، اما مشروط به شرط متأخر است. این وجوب باز به درد نزاع در مقدمه واجب نمی‌خورد. ما در محلّ نزاع در مقدمه واجب چه دعوائی می‌کنیم؟ می‌گوییم اگر یک ذی المقدمة‌ای وجود داشت، آیا مقدمه‌اش هم واجب است یا خیر؟ این وجوب باید یک وجوب مطلق باشد، یعنی یک وجوبی است که مشروط بر چیز دیگری نیست، یا لااقل نسبت به آن مقدمه‌ای که ما می‌خواهیم مطرح کنیم، مشروط بر آن نیست.

در معالم خواندیم که نماز نسبت به وضو، واجب مطلق است، اما نماز نسبت به وقت، واجب مشروط است. ذی المقدمة را نسبت به هر مقدمه‌ای که حساب کنیم، یا مطلق است یا مشروط. بالاخره مختلف است. وقتی که نماز نسبت به وضو، وجوب مطلق دارد، می‌گوییم این نماز که واجب به وجوب شرعی است، آیا عقل می‌گوید طهارت و مقدمه‌اش هم به وجوب شرعی واجب است یا نه؟

پس در محلّ نزاع در مقدمه واجب، وجوب ذی القمه‌ای را می‌خواهیم که نسبت به آن مقدمه، مشروط نباشد. بعبارة آخری؛ وجوب تعلیقی و وجوب مشروط کلاً وجوب است، و بدرد نمی‌خورد.

بنابراین به نظر می‌رسد که قسمت اوّل این اشکال مرحوم اصفهانی به مشهور اشکال واردی نیست.

استدلال محقق اصفهانی بر خروج مقدمات وجوبی از محل نزاع

عرض کردم مرحوم اصفهانی بعد از اینکه دلیل مشهور را ابطال کرده، خودشان دلیلی اقامه کرده‌اند بر اینکه مقدمات وجوبیه از محلّ نزاع خارج است. آن دلیل این است که اگر مقدمات وجوبیه بخواهد داخل در محلّ نزاع شود، دور لازم می‌آید. برای اینکه مقدمه وجوبیه به مقدمه‌ای گفته می‌شود که شرط برای وجوب ذی المقدمه است، این معنای مقدمه وجوبیه است. پس مقدمه وجوبیه، علت برای وجوب ذی المقدمه است. از آن طرف اگر بخواهد داخل در نزاع شود، وجوب ذی المقدمه علت برای وجوب مقدمه می‌شود.

پس در نتیجه از طرفی مقدمه وجوبیه علت برای وجوب ذی المقدمه است، از آن طرف وجوب ذی المقدمه علت برای وجوب مقدمه است و هذا دور.

از این راه که وجوب هر کدام متوقف بر وجوب دیگری است و این دور لازم می‌آید، این مطلب را بیان فرموده‌اند.

نقد محقق اصفهانی بر استدلال خودش

بعد این مطلب را در متن کتاب عرض کرده‌اند و بعد در حاشیه گفته‌اند خیر، این دور اگر در افق خارج و عالم خارج باشد استحاله دارد، اما در وعاء نفس و وعاء ذهن اشکالی ندارد که در عالم نفس استطاعت شرط وجوب حج باشد و وجوب حج هم علت برای وجوب استطاعت باشد.

پاسخ استاد از استدلال محقق اصفهانی

راجع دوری که ایشان بیان کردند نکته‌ای که وجود دارد این است که درست است اگر بگوییم مقدمه وجوبیه علت وجوب ذی المقدمه است، وجوب ذی المقدمه، معلول مقدمه وجوبیه می‌شود. لکن مقدمه وجوبیه از چه حیثی، علت برای وجوب ذی المقدمه است؟ آیا از حیث وجوبش است یا وجودش؟ البته که از حیث وجودش. این نکته‌ای بسیار دقیق است.

مقدمه وجوبیه یعنی استطاعت، اگر استطاعت در خارج موجود شد، سؤال ما این است استطاعتی که در خارج موجود شده، از حیث وجوب علت برای ذی المقدمه است یا از حیث وجود؟ روشن است وقتی استطاعت موجود شد، حج واجب است.

مرحوم اصفهانی در بیان دور چه گفته‌اند؟ گفتند مقدمه وجوبیه علت وجوب ذی المقدمه است، وجوب ذی المقدمه هم علت وجوب مقدمه و هذا دور. ما تحلیل می‌کنیم و می‌گوییم مقدمه وجوبیه وقتی موجود و محقق می‌شود، از چه جهت برای وجود ذی المقدمه علیت دارد؟ می‌گوییم از نظر وجودی.

پس نتیجه این می‌شود که وجوب حج توقف دارد بر وجود استطاعت، آن هم چه وجوبی، وجوب نفسی حج. از آن طرف می‌گوییم اگر مقدمه وجوبیه بخواهد داخل در نزاع شود، وجوب این مقدمه معلول وجوب ذی المقدمه است این وجوب هم وجوب غیري است نه وجوب قصدي.

اگر هر دو وجوب نفسی بود، اشکال وارد بود، یا هر دو وجوب غیري بود اشکال وارد بود. لکن وجوب مقدمه، وجوب غیري است، اما وجوب ذی المقدمه، وجوب نفسی است. پس دور در این بیان می‌آید. اگر وجوب نفسی مقدمه، علت وجوب نفسی ذی المقدمه باشد و بالعکس وجوب نفسی ذی المقدمه، علت برای وجود نفسی مقدمه باشد، اینجا دور لازم می‌آید.

در حالي که ما اینجا دو نکته داریم؛ یک نکته اینکه اصلاً وجود مقدمه، علت وجود ذي المقدمه است، نه وجوب مقدمه. ثانياً آن وجوبي هم که از ذي المقدمه به این مقدمه سرازير مي‌شود، یک وجوب غيري است.

بنابراین این استدلال مرحوم اصفهاني درست نیست و حق با مشهور است. مشهور مي‌گويد هدف شما از اینکه مقدمه وجوديه داخل در نزاع شود چیست؟ مي‌گوئيم هدف آن است که این وجود پيدا کند.

مي‌گوئيم قبل وجود يا بعد از وجود، قبل از وجود که هنوز ذي المقدمه واجب نشده، بعد از وجود هم که ديگر وجوبش تحصيل حاصل مي‌شود. انصاف این است که استدلال مشهور در خروج مقدمات وجوبيه از محلّ نزاع، یک استدلال تام است و نیاز به این بيان و استدلال مرحوم محقق اصفهاني نیست.

آخرين قسم؛ «مقدمه علميه» است، که آیا مقدمه علميه داخل در محلّ نزاع است يا نه؟ يعني آیا یک قسم مستقلي است يا نه؟ و بر فرض اینکه یک قسم مستقلي باشد آیا داخل در محلّ نزاع است يا نه؟ که جلسه بعد عرض مي‌کنيم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين